

The Study of Citizens' participation Right in legislation Relies on New Technologies

Mohammad Rezaee Jozani*

Received: 2016/09/26

Mohammadamin Hakemi**

Accepted: 2016/12/20

Citizens' participation in legislation is one of the rights that should be considered according to the requirements of the legislature and communities. The right of citizens to participate in the administration of state affairs is determined by their most basic rights. Although in the Constitution of Islamic Republic of Iran the terms citizen and citizenship rights have not been used there are still other relevant terms like nation's rights, public rights, general rights, individual and social rights which have been frequently used. Citizenship and participation are two concepts that are not separated in the field of society and legislation. Localization of citizens' participation in legislation as one of their political rights is one of the findings of the present article, which is explained according to the value and political principles of the country. The question of this work is How we can execute the right of participation and what's its mechanism? Given the subject-matter of current article we have taken advantage of the descriptive-analytic approach together with the library and documented method. Furthermore, we have gathered the required data via evaluation of the scientific articles in this field. "As far as we are concerned about active involvement of citizens in legislative decision-making processes allowing them to contribute to decisions that may have an impact on their lives. Finally, the new technologies are accepted, such CrowdLaw, as the applying of the right of participation in legislation and its usefulness is explained.

Keywords: Participation Right, Legislative, New Technologies, CrowdSourcing, Crowd-Law.

* Masters student in Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

mohammadjozani145@gmail.com

** Graduate Faculty of Islamic Studies and Law, LLM in Public Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.

hakemi.m.a@gmail.com

مطالعه حق مشارکت شهروندان در قانون گذاری متکی بر فناوری های نوظهور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۳۰

محمد رضایی جوزانی*

محمدامین حاکمی**

چکیده

حقوق شهروندان مفهومی است که با حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین می شود و مشارکت شهروندان در قانون گذاری از جمله این حقوق است که با توجه به مقتضیات نهاد قانون گذاری و جوامع، باید به آن اهتمام ورزید. حق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور با ابتدایی ترین حقوق آنها تعیین می شود. با آنکه در قانون اساسی واژه شهروندان و حقوق شهروندی استعمال نشده است، ولی از عباراتی چون حقوق ملت، حقوق عمومی، حقوق عامه، حقوق فردی اجتماعی یاد شده است. شهروند و مشارکت دو مفهومی است که در عرصه اجتماع و قانون گذاری از هم جدا نمی شوند. لذا بومی سازی مشارکت شهروندان در قانون گذاری به عنوان یکی از حقوق سیاسی آنان، از جمله یافته های نوشته حاضر است که با توجه به مبانی ارزشی و سیاسی کشور تبیین شده است. سوال این پژوهش آن است که چگونه می توان حق شهروندان در مشارکت در قانون گذاری را اجرایی کرد و سازوکار آن چیست؟ مقاله حاضر با روش تحلیلی و توصیفی تهیه شده است و همچنین گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه ای بوده است. در نهایت، استفاده از فناوری های همچون قانون سپاری، به عنوان سازوکار اجرایی به کارگیری حق مشارکت در قانون گذاری پذیرفته شده است و کارایی آن توضیح داده شده است.

واژگان کلیدی: حق مشارکت، قانون گذاری، فناوری های شهروندی، جمع سپاری، قانون سپاری.

* دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadjozani145@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، گرایش حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

hakemi.m.a@gmail.com

مقدمه

مردم از پایه‌های حکومت‌اند و مشارکت دادن به مردم در امور کشور، به معنای پذیرش حق ایشان در اداره امور است. چنین حقی از آنجا ناشی می‌شود که قدرت اجتماعی حکومت، چیزی به جز قدرت مردم نیست و حکومت، وامدار قدرت مردمی است و منبع قدرت حکومت، مردم هستند (اصلائی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۳، صص. ۷۹-۸۰). لذا، مشارکت مردم نیز به عنوان «حق مشارکت مردم» مطرح می‌شود. چنانچه حکومتی از مشارکت شهروندان خود، بهره‌ای نبرد، باید درجه‌ای از استبداد را به آن نسبت داد. چرا که حکومت‌ها، یا در دست مستبدین هستند و یا مردم‌سالارانند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲، صص. ۱۰۳-۱۰۴). در حکومت مردم‌سالار نمی‌توان از عدم مشارکت مردم یا عدم وجود چنین حقی سخن گفت. مردم‌سالاری دینی نیز، پیوند عمیق‌تری با مردم و مشارکت ایشان دارد. چرا که حفظ و حراست از ارزش‌های مردم‌سالاری دینی و نیز تحقق آنها، منوط به حضور و مشارکت حداکثری مردم است. در غیر این صورت، این ارزش‌ها رهاشده و متروک خواهند ماند.

پذیرش حق مشارکت، امری عام است که برای اجرایی‌سازی آن باید آن را جزئی‌تر کرد. پس می‌توان حق مشارکت سیاسی شهروندان و نیز حق مشارکت در اداره امور کشور را ذیل حق مشارکت به معنای عام دانست. حق مشارکت در قانون‌گذاری، بر دو رکن حق مشارکت سیاسی و حق مشارکت در اداره امور کشور اتکا دارد و هر سه، ذیل حق مشارکت مردمی به معنای عام آن قرار می‌گیرند، گرچه این حق منجر به تکلیف خواهد شد (اصلائی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۳، ص. ۸۱). حق مشارکت در قانون‌گذاری باعث می‌شود تا با دخالت دادن به مردم در امر تقنین، مشارکت آنان در اجرای قوانین را نیز بالا برد. چرا که اساساً چنین تقنینی، آمیخته با حضور و مشارکت شهروندان است. البته حق مشارکت در قانون‌گذاری به معنای عدم استفاده از نظرات نخبگان یا حذف جایگاه قوه مقننه نیست، بلکه مشارکت در تقنین را می‌توان مربوط به ابتکار قانون، پیشنهاد موضوع، مسئله یا راه‌حل آن، اصلاح قوانین، پیشنهاد پیش‌نویس قوانین و گفتگو در پیش‌نویس قوانین و اموری از این قبیل دانست؛ اموری که مکمل عملکرد مجلس خواهند بود.

با این حال، به کار بستن حق مشارکت در امور پیش‌گفته، از جمله قانون‌گذاری،

مرهون استفاده از امکانات و فناوری‌های متناسب و درخور است. فناوری‌ها و وسایل ارتباطاتی و مدل‌های الکترونیک در مسیر مشارکت شهروندان، به عنوان ابزارهایی با ویژگی‌های مختلف مورد استفاده قرار خواهند گرفت تا مشکلات و موانع در مقابل مشارکت شهروندی برطرف شود و مخصوصاً، موجب تسهیل در فرایند مشارکت شهروندان در قانون‌گذاری شود. فراهم کردن بسترهای حقوقی متناسب با ابزارهای به‌روز، می‌تواند موجب ارتقاء مشارکت مردم و تعامل بهتر آنان با امر تقنین شود و این نوع مشارکت فعال می‌تواند با اقدامات بازیگران سیاسی سازوکارهای خود را توسعه دهد. موضوع مشارکت شهروندان در امور دولت و حکومت از موضوعات بسیار مهمی است که مورد توجه اندیشمندان و دولتمردان قرار گرفته است. الگوهای مشارکت شهروندی بسته به نوع فرهنگ و با توجه به ارزش‌ها و اصول حاکم بر آن، معنا و مفهوم متفاوتی را در بر خواهد داشت.

فناوری‌های شهروندی کمکی شایان به پیش‌برد اهداف مردم‌سالاری کرده‌اند. حق مشارکت موضوعی است که بیشترین نفع را از فناوری‌های شهروندی، از جمله فناوری‌هایی نظیر قانون‌سپاری، برده است. فناوری‌های نظیر قانون‌سپاری که بر پایه فضای مجازی، نوآوری باز و رویکرد جمع‌سپاری رشد و توسعه یافته‌اند، در امور مختلفی همچون نظارت، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تقنین و در سطوح ملی و محلی کاربرد دارند. توسعه فناوری‌های شهروندی بر بستر فضای مجازی این امکان را فراهم می‌آورد تا محدودیت‌های مشارکت شهروندان بسیار کاهش یابد و حضور و مشارکت آنان تسهیل گردد.

مسئله پژوهش حاضر فراهم آوردن سازوکاری برای تضمین حق مشارکت شهروندان در قانون‌گذاری است. به عبارتی این مقاله در پی آن است که چگونه می‌توان شهروندان را در فرایند قانون‌گذاری سهیم ساخت؟ گرچه آثار فراوانی از قبیل کتاب، مقاله و گزارش‌های مراکز و مؤسسات علمی در خصوص یکی از اجزای موضوع این پژوهش، به صورت پراکنده وجود دارد، لکن هیچ‌کدام ناظر به طرح سازوکار اجرایی برای حق مشارکت در قانون‌گذاری تلاشی نکرده‌اند و در این سطح از بحث نیستند. لذا، همچنان که خواهد آمد، این مقاله، مسبق به اثری نیست که از جامعیت پیش‌گفته برخوردار باشد.

۱. مبانی حقوقی و سیاسی مشارکت شهروندان

ابن مسکویه از دانشمندان ایرانی نحوه‌ای از مشارکت را بیان می‌کند که شهروندان جامعه با دو عنصر مشارکت و تعاون، مشارکتی بدیل را ارائه می‌کند که شهروند منفعل را تبدیل به شهروند فعال می‌کند تا بتوانند در خصوص تکمیل و تقویت بنیه‌های اجتماعی گامی جدی بردارند، در واقع، گستره معنایی وسیعی را برای تعاون در نظر می‌گیرد که بسیار وسیع‌تر از مشارکت است. زیرا مشارکت در جامعه برای تعیین سرنوشت سیاسی، حضور در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب هیئت حاکمه صورت می‌گیرد، در حالی که تعاون علاوه بر این موارد قوام جامعه را در پی دارد. اصل اجتماع بر شالوده «تعاون» ایجاد شده است و تمدن‌ها بر همین اساس سامان یافته‌اند: «بهذه المعاونه تتم المدنیة و یصلح معاش الانسان؛ با تعاون، مدنیت کامل و معاش انسان تأمین می‌گردد (مهاجرنیا، ۱۳۷۹، ص. ۱۹۲).

جدای از مباحث نظری، باید به مبانی قانونی نیز توجه کرد. سیاست‌های کلی به عنوان یکی از اسناد بالادستی لازم‌الاجرا با اعتبار شرعی و حقوقی در کنار قانون اساسی به ارائه معیارهای اصیل جامعه اسلامی می‌پردازد که در قانون اساسی اعتبار آن تأیید شده است و به عنوان خط‌مشی از سوی ولی فقیه صادر می‌شود (اسماعیلی و طحان‌نظیف، ۱۳۹۱، صص. ۸۹-۹۰). سیاست‌های کلی نظام به عنوان سندی فرادستی این قابلیت را دارد که اصول حقوق شهروندی را در خود متبلور سازد. ثبات، الزام‌آور بودن، فرادستی بودن و اعتبار بالای قانونی و همچنین بیان اصول ساختاری، ویژگی‌هایی هستند که در سیاست‌های کلی نظام وجود داشته و می‌توانند موجبات حمایت و صیانت هر چه بیشتر از اصول حقوق شهروندی را فراهم سازند (طحان‌نظیف؛ محمدی احمدآبادی و مجتهدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۶).

سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری در اصول خود بر مشارکت شهروندان در زمینه قانون‌گذاری تأکید می‌کند و دستگاه‌های مربوط را مکلف می‌کند تا بسترهای مناسب برای مشارکت شهروندان را فراهم آورند. در این زمینه در بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری چنین آمده است که جهت رعایت اصول قانون‌گذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی، جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرایند قانون‌گذاری لازم است.

مشارکت شهروندان در حوزه تقنین، امر تقنین را به نیازهای جامعه و برخاسته از بطن

آن نزدیک می‌کند. چون شهروندان، مشارکت را به عنوان یک مسیر قابل اعتنا برای رفع نیازهای خود می‌دانند. این در حالی است که سیاست‌های کلی تلاش می‌کند که جامعیت قانون و فراگیر بودن آن را در خصوص عموم جامعه برای نهاد تقنین تبیین کند و شاخص‌های خود را به عدالت اجتماعی نزدیک کند.

همچنین در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ذیل «شیوه حکومت در اسلام» مشارکت شهروندان به عنوان یک حق معرفی شده است: «قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. ... چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است... و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد...».

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. مشارکت شهروندان در اداره امور کشور

در اجتماعات بشری ماهیت مشارکت مردم در امور حکومتی دارای دو ساحت است و به مثابه دو روی یک سکه تعریف می‌شود که یک روی آن در معنای حق و روی دیگر در معنای تکلیف است و این دو، لازم و ملزوم یکدیگر محسوب می‌شوند. یعنی وجود هر تکلیفی لازمه وجود حقوقی است که برای اشخاص در نظر گرفته می‌شود. در عرصه عمومی اعمال اراده شهروندان، از حقوق آنان برای تعیین سرنوشت خود یاد می‌شود. به گونه‌ای که در قالب اجتماعات این حق با ابعاد گسترده‌ای جلوه خواهد کرد و در مقابل آن، تکالیف با توجه به مقتضیات و مبانی هر تمدنی شکل خواهد گرفت.

به عبارتی، از یک سو هر حکومتی فارغ از نوع و محتوا به منظور اداره امور اجتماع نیازمند مشارکت عمومی است و هیچ حکومتی بدون مشارکت مردم قادر به اداره امور خود نخواهد بود. حکومت اسلامی نیز نیازمند مشارکت مردم در اداره امور کشور است. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی که ضرورت اداره آن را نیز نمودار می‌سازد، اجرای احکام شریعت الهی است که بدون مشارکت مردم این امر نیز

غیرممکن به نظر می‌رسد (اصلائی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۳، صص. ۶۵-۶۹). محوریت مقاله موجود بر این اساس است که سازوکار مشارکت شهروندان در امور حکومتی را به عنوان یک حق بسط و تفصیل دهد و جایگاه آن را در نظام بیان کند. با این وجود که تکلیف بودن آن از دید مقاله خارج نیست و در ذیل مباحثی به صورت ضمنی به آن پرداخته است.

با در نظر گرفتن اهداف کلان سازمان‌یافته در یک مجموعه، در واقع نوع مشارکت‌ها براساس اهمیت و نوع نیاز اجتماعی تقسیم‌بندی می‌شود. عامه مردم سعی خواهند کرد که نیازهای جمعی را با توجه به بسترها و سازوکارهایی که در جامعه موجود است و یا قابلیت فراهم شدن دارند، به منصفه ظهور برسانند. فعالیت‌های شهروندان در زمینه اهداف کلان در هر جامعه‌ای حدود و ثغور خود را دارد که در مفهوم «جمهوری اسلامی ایران» دو عنصر مشارکت شهروندان و حدود شرعی و اسلامی آن کاملاً نمایان است.

در نظام اسلامی، امور حکومتی در اختیار امام معصوم و در غیاب او، در اختیار فقیه جامع‌الشرایط است. به این صورت که با تنفیذ شرعی قدرت به دست مردم و نهادهای نظام اسلامی، مشارکت شهروندان در اداره امور کشور تحقق کامل‌تری پیدا می‌کند، در واقع جزء لاینفک نظام مشارکت مردمی است که به عنوان حقوق جمعی آنان در نظام شهروندی تبیین شده است و البته نوعی تکلیف نیز مطرح است که براساس آن حق، شئون اسلامی را در حکومت اسلامی به جریان درآورند. با این دیدگاه راهکارهای تحقق مشارکت به دو طریق تقسیم‌بندی می‌شوند. راهکارهای «مشارکت حکومتی» که در آنها حکومت اسلامی زمینه‌های مشارکت را برای مردم طراحی می‌کند و «مشارکت مردمی» که در آن عرصه‌های مشارکت از ابتدا به وسیله مردم تعریف می‌شود.

براساس نظر برخی از حقوق‌دانان (جاوید و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۲، صص. ۷۹-۸۳)

مشارکت سیاسی مردم را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱- مشارکت تکمیلی: مشارکت تکمیلی در امور سیاسی به گونه‌ای است که ظرفیت بسترهای حکومتی برای تحقق اهداف کلان کافی نمی‌باشد و شهروندان یک جامعه برای تکمیل این ساختارها جهت نیل به اهداف جمعی تأثیرگذارند. برای مثال در نظام جمهوری اسلامی در امر مبارزه با فساد نقش شهروندان بیش از پیش دیده می‌شود و در کنار نهادی مثل قوه قضائیه نقش‌آفرینی می‌کنند یا در روند رونق تولید ملی و

اقتصاد پویا نقش شهروندان کاملاً مشهود است و لازمه حرکت در شئون حکومتی است. رهبر انقلاب نیز در باب ناتوانی دولت‌ها در صورت عدم مشارکت مردم در سامان دادن به اقتصاد کشور، بر لزوم به‌کارگیری استعدادها و ابتکارهای شهروندان در ظرفیت‌های گوناگون در اقتصاد تأکید می‌ورزند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

۲- مشارکت اصلاحی: گاهی مسیر حرکت اجزای جامعه در سمت آرمان‌های متعالی نیست و شهروندان جهت اصلاح امور حکومتی باید از دیدگاه حق و تکلیف این نوع مشارکت را بجا آورند. برای مثال، در مبارزه با فساد به نحوی که خود شهروندان در زمینه مبارزه با فساد به صورت مستقل اعمال اراده نمایند، نوعی مشارکت اصلاحی محسوب می‌شود. تجربه موفق کشورهای حوزه شرق آسیا نشان از این دارد که شهروندان عادی نیز برای کاهش فساد مسئول هستند و توسعه مشارکت‌های مردمی در حرکت‌های جمعی از مشارکت‌های اصلاحی شهروندان محسوب می‌شود (Quah, 2017, pp. 41-57). از آنجا که به طور طبیعی فساد برای همه نامطلوب است مبارزه با آن نیز یک مسئولیت مشترک است. در نظام جمهوری اسلامی ایران امر قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی صورت می‌پذیرد و نقش شهروندان بیشتر در حوزه نظارت بر امر قانون‌گذاری اعتبار و جایگاه پیدا کرده است. در حالی که این مقاله در ادامه خواهد کوشید تا جایگاه مردم در امر قانون‌گذاری را بیان نماید.

۳- ابتدایی: برخی از امور به گونه‌ای است که توسط خود شهروندان تحقق می‌یابد. در واقع بسترسازی و اعمال اراده از سوی مردم شکل می‌گیرد. نوع اعمال اراده به نحوی است که ساختار بدیلی برای رسیدن به احکام اسلامی توسط خود مردم عملیاتی شده است.

۲-۲. مشارکت شهروندان در قانون‌گذاری

اجتماعات بشری، ناگزیر برای ارتقای سطح زندگی و پیشبرد اهداف خود بر آن است تا رویکردی را برگزیند و به وضع قانون جهت حکمفرمایی نظم در جامعه بینجامد و بتواند جامعه را بهتر اداره کند. نهاد مربوط به آن، در هر جامعه و تمدنی به اشکال مختلف مشاهده می‌شود و برای بهبود نظام‌های تقنینی راهکارهای مختلفی بیان شده است. مشارکت مردم در قانون‌گذاری، عالی‌ترین جلوه حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت

زندگی سیاسی و اجتماعی خود است. لیکن لزوم تطبیق قانون‌گذاری آن با موازین شرعی و تبعیت از نظام قانون‌گذاری اسلام، بر حدود و ثغور و نحوه اعمال این موضوع تأثیر گذاشته و جلوه‌های خاص و عوامل اجتماعی ویژه‌ای را مطرح کرده است که تا اندازه‌ای با سایر نظام‌های قانون‌گذاری تفاوت دارد (رستمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۹).

مراتب قانون‌گذاری و مراحل مربوط به آن هر کدام جلوه‌ای از مشارکت شهروندان در خصوص قانون‌گذاری را به ارمغان می‌آورد و جلوه‌های خاص خود را پیدا می‌کند و این امکان را فراهم می‌کند تا مطلوب‌ترین حالت ممکن را بر اساس مبانی اسلامی و دینی و مردم‌سالاری پدید آورد. فرصت مشارکت شهروندان در مراحل مختلف فرایند قانون‌گذاری وجود دارد. بازیگرانی که مسئولیت هر مرحله مشخص از فرایند را برعهده دارند با توجه به اهمیت در هر مرحله و مسئولیت‌های متناظر می‌توانند به تعیین یک روش مناسب و ترکیبی از سازوکارها کمک کنند و به طور مؤثری مشارکت شهروندان را به‌دست آورند.

ارتقای سیستم قانون‌گذاری در ایران که با صلاحیتی گسترده پدیدار می‌شود، مستلزم آن است تا با مسئله‌یابی و شناسایی نقایص پیش‌رو، به صورت متمرکز محدوده‌ای را برگزید و همان محدوده را ریشه‌یابی کرده و راه‌حل به عنوان نتیجه، کارایی بالایی داشته باشد. «ظرفیت موسع» صلاحیت قانون‌گذاری و مراتب آن در مجلس شورای اسلامی نتیجه‌ای تحت عنوان «تمرکزگرایی» را به همراه داشته است و در عین حال به علت کمبود ساختارهای نتیجه‌گرا در رسیدن به هدف والای خود دچار ضعف است. اصلاح ساختاری در خصوص قوه مقننه از جمله پیشنهادات برای رفع این مانع محسوب می‌شود، در حالی که به عنصر مشارکت توسط شهروندان به عنوان مشارکت تکمیلی توجه نشده است.

جرمی والدرون نظریه‌پرداز حقوق و فلسفه دانشگاه نیویورک به بیان اصول اساسی و مهم قانون‌گذاری می‌پردازد و معتقد است: «از اصول «تشریفاتی» در حوزه تقنین که مربوط به نهادها و فرایندهای قانون‌گذاری است، توجه به «اصل تشریفات تقنین» است و مقدمات امر قانون‌گذاری شامل ارائه طرح و لوایح از سوی نهادهای مربوط را نیز شامل می‌شود (والدرون، ۱۳۹۸، صص. ۱۱۹-۱۲۰).

رسیدن به یک نظام مطلوب قانون‌گذاری وقتی محقق خواهد شد که شهروندان در

کنار نمایندگان با عنصر تعاون در امر قانون‌گذاری مشارکت نمایند و ساختاری پدید آورند که در کنار قالب سنتی و رایج موجود، سبب ارتقای جایگاه این نهاد شود. بعضاً حذف ساختار یا تغییر در آن به نحوی است که ممکن است یک نظام را دچار بحران کند. فلذا کارآمدترین روش در خصوص ارتقای نهاد قانون‌گذاری تکمیل این نهاد توسط ارائه ساختارهای جزئی ذیل آن است.

پس باید زمینه مشارکت شهروندان در مقدمات قانون‌گذاری به نحوی فراهم شود که هم به تقویت بنای جامعه کشور کمک شود و هم ساختارهای موجود مورد نیاز به قوت خود باقی بمانند. زمینه‌سازی مشارکت شهروندان جهت اجرایی شدن اصول قانون اساسی و اسناد بالا دستی مانند سیاست‌های کلی در امر مشارکت در قانون‌گذاری از راهکارهای موجود برای تحول نظام حقوقی موجود به سمت نظام حقوقی مطلوب است (کعبی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۶). در کنار مشارکت فعال و مستقیم شهروندان اهمیت بررسی طرح‌ها و لوایح تقدیمی از سوی نمایندگان و تطابق آنها با شرع و قانون اساسی از سوی شورای نگهبان مستلزم آن است که افراد متخصص از سوی شهروندان و مجرای ولایت به این امر اهتمام ورزند تا تکلیف شهروندان در قبال اقامه احکام اسلامی در جامعه محقق شود.

در عصر حاضر صاحب‌نظران حوزه تقنین برای ارائه راهکارهای نتیجه‌گرا در خصوص مشارکت شهروندان با توجه به مقتضیات جامعه و ویژگی‌های مرتبط با آن سعی می‌کنند الگوهای بومی ارائه دهند تا قانون‌گذاری به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه به بهترین شکل خود رقم بخورد.

۳. شهروند و مشارکت

شهروند از واژگانی محسوب می‌شود که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و در دایره حقوقی این واژه دارای تعاریف متعدد و مختلفی است و بیشتر با واژه اتباع (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۰، ص. ۱۲۲) و گاهی با اصطلاح اقامت قرین می‌شود، ولی در مقام عمل، افراد ذیل هر یک از واژگان دارای حقوق متمایز و متفاوت، به صورت کلی و جزئی می‌شوند. در خصوص واژه‌شناسی و ارائه تعریف مناسب می‌توان شهروند را با واژگان مرتبط با خود تعریف کرد. یکی از واژگان مهم و مرتبط با شهروند، «مشارکت» است که

در امور مختلف مرتبط با اداره جامعه اعم از مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... دیده می‌شود.

ویژگی کلیدی کلمه «شهروندی» که آن را از تابعیت صرف متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکت است. به این لحاظ از آنجا که شهروند در مورد روابط انسانی یک تعریف ساده و ایستا را که برای همه جوامع در همه زمان‌ها به کار رود، بر نمی‌تابد. لیکن، می‌توان گفت که شهروندی موقعیتی است که فرد با برخورداری از آن می‌تواند در یک جامعه سیاسی، اخلاقی شده و زندگی خود را بر اساس وابستگی‌های متقابل و بر اساس موازن و تعادل حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی ساماندهی کند (مصلح، ۱۳۹۶، ص. ۸). شهروند از دیدگاه لغوی فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است، و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص. ۴۳۵).

«به طور کلی کسی که شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گزار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و طبق معمول تابع دو سنجه است: یکی زادگاه و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز به دست می‌آید. اما این‌گونه شهروندی به طور معمول همه حقوق شهروندی از جمله کسب مشاغل دولتی را با خود نمی‌آورد» (راسخ، ۱۳۸۴، ص. ۲۷). مشارکت نیز در کنار شهروند از مفاهیمی است که با اهداف مشترک و وجود یک نظام و همکاری شهروندان به عنوان یک حق سیاسی تبیین می‌شود. در جامعه‌شناسی، مشارکت به معنی حالت یا وضعی است که فرد به گروهی خاص تعلق داشته و سهمی در آن دارد. اما گاهی به معنی شرکت فعالانه در گروه برای به ثمر رساندن یک فعالیت اجتماعی است. مشارکت به معنای نخست جامعه‌شناختی لازمه معنای دوم آن است؛ زیرا شرکت فعالانه در اعمال اجتماعی زمانی پدید می‌آید که فرد به گروهی خاص تعلق داشته، سهمی از آن برای خود قائل باشد. مقصود از واژه «مشارکت» دومین معناست که مفهوم نخست را نیز در بر دارد. اصطلاح «مشارکت‌پذیری» به فرایندی اشاره دارد که افراد طی آن اقدام به عمل جمعی نموده، یا رفتار خود را معطوف به تحقق هدفی مشترک کنند (رستگاری و برخوردار، ۱۳۸۸، ص. ۹۷).

۴. قانون‌سپاری و تضمین حق مشارکت

قانون‌سپاری پدیده‌ای نوظهور است که انجام فعالیت‌های انسانی را تحت‌الشعاع قرار داده است. قسمتی از این تأثیرات فزاینده، به دلیل بهره‌گیری آن از فضای مجازی و رویکردهای جدید است؛ رویکردهایی نظیر نوآوری باز، شفافیت و جمع‌سپاری. توضیح این مطالب در ادامه خواهد آمد. با این حال، قانون‌سپاری به واسطه انجام پژوهش‌ها و تحقیقات علمی ایجاد نشده است. بلکه در روند تحولات مدیریتی و حقوقی، به این نقطه رسیده است. به همین دلیل، بیشتر منابع موجود در مورد قانون‌سپاری، تنها به توصیف آن و نیز، توسعه کاربردی آن معطوف بوده‌اند و از بررسی مبانی این پدیده، غفلت ورزیده‌اند. اینک مؤعد آن رسیده است تا با ارائه توصیفی که اجزاء و زیرساخت‌های قانون‌سپاری را شامل می‌شود، نحوه تضمین حقوق شهروندی، از جمله تضمین حق مشارکت در قانون‌گذاری را تشریح کرد. به نظر این پژوهش، قانون‌سپاری نقش بی‌بدیلی در تسهیل حق مشارکت در قانون‌گذاری دارد و اکنون جایگزینی برای آن وجود ندارد.

۴-۱. نوآوری باز

پس از گذشت دو سده از انقلاب صنعتی، توجه شرکت‌های خصوصی برای افزودن بر نوآوری‌های خود و ساخت محصولات جدید، باعث شد تا استخدام افراد مستعد و توانا به امری رایج تبدیل شود. به طوری که شرکت‌هایی که افراد نخبه و نوآوران بیشتری را در اختیار داشتند، از برتری و مزیتی خاص برخوردار بودند. چرا که با اتکا به سرمایه‌های انسانی خود، توان ساخت محصولات جدید را داشته و بازارها را بیشتر به تسخیر خود در می‌آوردند. همچنین با نوآوری در نحوه تولید و توزیع و غیره، از قیمت تمام‌شده محصولات خود می‌کاستند و بر کیفیت آن می‌افزودند. به همین دلیل، از صرف بودجه‌های کلان در حوزه نوآوری ابایی نداشتند و امکانات مختلفی را در اختیار منابع انسانی خود قرار می‌دادند. صرف هزینه‌های هنگفت باعث می‌شد تا از اقدامات امنیتی نیز چشم‌پوشی نکنند؛ چرا که فرمول و روش ساخت محصولات نوآورانه، تا مدت‌ها می‌توانست سودی انحصاری را نصیب آن شرکت‌ها کند. چنین نحوه استفاده‌ای از نوآوری، به «نوآوری بسته» شهرت یافته است. با گذر زمان و افزایش هزینه‌های نوآوری،

روش‌های جدیدی به وجود آمد و به نوعی، نوآوری در نوآوری ایجاد شد. شرکت‌ها به جای آنکه بودجه‌های کلانی را صرف نوآوری کنند، متوجه این موضوع شدند که افراد با استعداد زیادی وجود دارند که نمی‌توان همه آنها را به استخدام شرکت درآورد. اما امکان داشت که با تغییر رویکرد، بتوان از ایشان استفاده کرد. لذا، با طراحی روی داده‌های نوآورانه و مسابقات ایده‌پردازی عرصه‌ای برای رقابت ایده‌ها فراهم شد که دسترسی به بهترین ایده‌های بهترین ایده‌پردازان را مهیا می‌ساخت. ایده‌پردازان ایده‌های برگزیده بدون این که به استخدام شرکت درآیند، با جوایزی با ارزش مورد تقدیر واقع می‌شدند. با این حال، صرفه‌جویی شرکت‌ها از محل این تغییر رویکرد، بسیار بیشتر از مبلغ جوایز اعطایی بود. همچنین، کیفیت نوآوری‌ها و محصولات نوآورانه افزایش یافت، چرا که میزان رقابت‌پذیری افزایش یافت. این رویکرد جدید که به «نوآوری باز» شناخته می‌شود، به سرعت به دستاوردهای خیره‌کننده‌ای دست یافت (حورعلی؛ منتظری و الیاسی، ۱۳۹۴، صص. ۶۰-۶۳).

۴-۲. شفافیت

شفافیت به معنای در دسترس بودن اطلاعات است. به عبارتی، شفافیت «وضعیتی است که در آن، دانش فعالیت‌هایی که مورد علاقه عموم است آشکار گردد؛ به طوری که استعداد بالقوه برای مسئولیت را آشکار سازد» (طاهری و ارسطو، ۱۳۹۵، ص. ۵). در حالی که شفافیت در جامعه وجود دارد، امکان دسترسی سریع و بدون مشکل به اطلاعات مورد نیاز شهروندان وجود دارد. این به معنای آن نیست که همه شهروندان نیاز به آن دارند تا تمام اطلاعات موجود را پایش کنند. لکن تمام اطلاعات شفاف‌شده، در دسترس شهروندان قرار می‌گیرد. چنین دسترسی برای جوامعی که متکی به مردم‌سالاری عمل می‌کنند، حائز اهمیت است، خصوصاً اگر مردم‌سالاری دینی حاکم باشد. چرا که مردم‌سالاری دینی حاوی ارزش‌هایی است که از جمله فروزان‌ترین آن ارزش‌ها، علم است. شفافیت می‌تواند یکی از عوامل تأمین علم و دانش مورد نیاز برای نقش‌آفرینی مردم در نظام مردم‌سالاری دینی باشد. شفافیت بستری برای حضور و مشارکت فعال شهروندان در انجام امور اجتماعی، شهری، سیاسی، اقتصادی و غیره است. چنانچه شفافیت وجود نداشته باشد، نه می‌توان ساختارهای مشارکتی مبتنی بر آن

را ایجاد کرد و نه می‌توان انتظار همراهی از جانب مردم را داشت. به طور کلی، شفافیت روشی است که می‌توان به کمک آن در عارضه‌یابی و شناخت مسائل، در تدوین خط‌مشی و قوانین، در حل مسائل و در ارزیابی قوانین و سیاست‌ها نتایج بسیار مطلوبی کسب کرد (عبدالحسین‌زاده و ثنائی، ۱۳۹۴؛ نرگسیان و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۲۹۲-۲۹۳).

شفافیت با تزریق دانش به توده‌ها، ظرفیت‌های غیر فعال آنان را فعال می‌کند. چنین فعالیتی منجر به مبارزه ریشه‌دار با فساد شده و قانون‌گیران را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. به طوری که یکی از آثار مهم شفافیت، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد تلقی می‌شود. شفافیت را می‌توان حقی اساسی برای تحقق حقوق بشر و نیز مشارکت‌های گسترده مردمی دانست (ضمیری و نصیری حامد، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۶). به هر تقدیر، شفافیت از زیرساخت‌های اساسی مشارکت مردمی در دولت مدرن به حساب می‌آید.

۴-۳. جمع‌سپاری

سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، پس از طی یک دوره نسبتاً طولانی در تمرکزگرایی، به برون‌سپاری روی آوردند. سازمان و شرکت به جای آنکه خود، مستقیماً تولید کالا یا خدمت مورد نیازش را عهده‌دار شود، آن را به دیگر شرکت‌ها یا سازمان‌ها بپردازد تا با کوچک‌سازی و چابک‌سازی خود، تمرکز بیشتری بر اهدافش کرده باشد. برون‌سپاری به کاهش و کنترل هزینه عملیات انجامید (مدهوشی و کوه‌کن موخر، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۱). با گسترش برون‌سپاری و ادامه این روند، و همچنین با نظر به نتایج مثبت حاصل از نوآوری باز، سپردن تولید کالا و خدمات مورد نیاز سازمان و شرکت، به جمع‌ها و توده‌ها مورد توجه قرار گرفت. گرچه برون‌سپاری از گردونه انجام فعالیت‌ها خارج نشد، لکن جمع‌سپاری - که سپردن کار مورد نظر شرکت و سازمان به توده‌های مردم است - از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. در واقع، در جمع‌سپاری، جنبه مشارکت اجتماعی بر انجام عملیات سازمانی غلبه می‌یابد. به طوری که می‌توان جمع‌سپاری را گونه‌ای از توسعه اجتماعی دانست که دارای گستره‌ای وسیع است و شهروندان توان نقش‌آفرینی در آن را دارند؛ نقش‌آفرینی‌هایی که مکمل یکدیگر بوده و زنجیره‌وار به هم متصل‌اند (Aitamurto, 2012, pp. 30-33).

نظر به توسعه چشمگیر فناوری‌های مجازی و اینترنت، ایده‌پردازان جمع‌سپاری استفاده‌های فراوانی از آن در طراحی محصولات جمع‌سپارانه برده‌اند. به طوری که اینترنت و فناوری‌های مجازی از ارکان جمع‌سپاری دانسته شده است. پلت‌فرم‌های جمع‌سپاری، محل انجام فعالیت‌های جمع‌سپارانه‌اند که در فضای مجازی استقرار می‌یابند. به علاوه، حضور مجازی جمع‌سپاری باعث می‌شود تا اتصال به سامانه‌های شفافیت - که غالباً محصولاتی مجازی‌اند - نیز راحت‌تر صورت پذیرد. بهره‌گیری از دستاوردهای شفافیت و فضای مجازی، کمک شایانی به دسترسی به منابع خرد جمعی خواهد کرد. خرد جمعی، وجه ممیزه جمع‌سپاری از دیگر سپارش‌ها است. اتکا به خرد جمعی، هسته اصلی مدل‌های مبتنی بر جمع‌سپاری است. بیشینه بهره‌برداری از جمع‌سپاری در فعالیت‌های مالی است که سود فراوانی را برای صاحبان فعالیت‌ها به ارمغان می‌آورد (Pedersen, et al. 2013, p. 9). جمع‌سپاری نحوه‌ای از انجام فعالیت است که در امور بسیاری کاربرد دارد، از جمله، امور اقتصادی، خیریه، نظارت و سایر مشارکت‌های مردمی. یکی از این عرصه‌ها، جمع‌سپاری در فرایند تقنین است. حضور توده‌های گسترده مردم در فرایند قانون‌گذاری، دارای منافع متعددی است که اشاره خواهد شد. در نظام تقنین، چالشی که پیش روی قانون‌گذاری بطور غالب از سوی شهروندان قرار می‌گیرد، انتظارات شهروندان از قانون‌گذاران و قانون‌گذاری غالباً خارج از وظایف و اختیارات و حتی توانایی آنان مطرح می‌شود و می‌تواند مانعی برای مشارکت آنان شود و اثربخشی فرایندهای مشارکت شهروندان را کاهش دهد، اما این موضوعی نیست که از این حق چشم‌پوشی شود و می‌توان با ابزاری‌های متنوع از قبیل «آموزش» این مسئله را برطرف نمود.

۴-۴. قانون‌سپاری

قانون‌سپاری، قرین اصطلاح «Policymaking»، به معنای «سیاست‌گذاری» قرار می‌گیرد. لذا باید دانست که قانون‌سپاری علاوه بر حوزه‌ی قانون‌گذاری، شامل حوزه‌ی سیاست‌گذاری نیز می‌گردد و نمی‌توان مرزی میان این دو متصور بود. موارد استفاده از این محصولات، به قدری شایع و متعدد است که حتی با پلت‌فرم‌های مشابه این، می‌توان کاربردهای متفاوتی در حوزه‌هایی دورتر، نظیر دایرةالمعارف‌های همگانی و

بانک‌های داده باز راه‌اندازی نمود. هرچند عرصه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری فعلاً مسیر دیگری را جریان دارند، اما از منظر جمع‌سپاری دارای قرابت‌های شگرف‌اند. چرا که قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در پی نگارش متنی هستند که قابلیت تبدیل به قانون و سیاست را دارا باشد. البته جایگاه اصلی قانون‌سپاری در ارائه موضوع برای قانون‌گذاری، ابتکار قانون و ایجاد متن پیش‌نویس است. لازم به ذکر است که قانون‌گذاری امری مهم و اساسی در حیات یک نظام حقوقی است. به طوری که قوانین نامناسب می‌توانند سرنوشت بدی را برای یک نظام حقوقی رقم بزنند و قوانین مناسب، توان تعالی و ارتقای آن را دارند. برای بهبود کیفیت قوانین و ارتقای مؤلفه‌های قانون و قانون‌گذاری، روش‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود. لکن تکیه بر فناوری‌های متکی بر جمع‌سپاری از مزایای فوق‌العاده‌ای بهره‌مند است. بدین منظور، ابتدا تاریخچه‌ای مختصر از روند پیدایش قانون‌سپاری بیان خواهد شد.

در ابتدا باید اذعان کرد که نمی‌توان با مشاهده صرف پلت‌فرم‌های موجود، حکم به وجود نوعی واحد از پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری کرد. چرا که هر یک دارای ویژگی‌های انحصاری هستند و به علاوه، جایگاه خود را در یک نظام حقوقی خاص ترسیم کرده‌اند که با سایر محصولات مشابه متفاوت است. با این حال، پلت‌فرم‌های کنونی، دارای دو تاریخچه و پیشینه جداگانه‌اند. نخست، مربوط به انگلستان است و دیگری مربوط به آمریکا. اجرای طرح Red Tape در دولت کامرون و نیز وجود نهادهایی شبیه به E-Petition نوید تفاوت قانون‌سپاری انگلیسی از همانند آمریکایی‌اش را می‌دهد؛ همانندی که نخست از دفاتر دولت فدرال نشئت گرفته است (Clark; Morris & Lomax, 2018, pp. 1-3).

ایالات متحده آمریکا بیش از سه دهه است که از دولت الکترونیک و محصولات و فناوری‌های مرتبط به آن استفاده می‌برد. از جمله نخستین کاربری‌های دولت الکترونیک در دفاتر قانون‌گذاری بود که برای دولت فدرال فعالیت می‌کردند. حوزه‌ای که این دفاتر بدان مشغول بودند، عبارت بود از سلامت و بهداشت عمومی، امنیت، اقتصاد و امور مالی و سایر عرصه‌های مشابه. عمل تقنین، متکی به فرایندی خاص است و می‌توان در مراحل مختلفی از آن (مخصوصاً مراحل ابتدایی)، از محصولات جمع‌سپاری‌شده بهره برد؛ محصولاتی که علاوه بر تقنین، در سیاست‌گذاری نقشی

همسان دارند. این بدان دلیل است که فرایندهای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، دارای مراحل هستند که مبتنی بر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. بدین ترتیب، با به‌کار بستن جمع‌سپاری در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری (قانون‌سپاری) می‌توان مشارکت مردمی را به بیشترین حد رساند و خروجی مصوبات (قوانین و سیاست‌ها) را بهبود بخشید. لذا، با ورود فرایند قانون‌گذاری الکترونیک به میدان، نقش دفاتر قانون‌گذاری بیش از پیش کاهش یافت. پس از دهه نود میلادی، ظهور فناوری‌های دیجیتال، تغییرات زیادی در جایگاه و اهمیت دفاتر قانون‌گذاری ایجاد کرد که این به معنای حرکت به سمت آینده‌ای متکی بر فناوری‌های دیجیتالی و الکترونیک بود. برای عملیاتی شدن اهداف دولت باز، که تماماً بر اساس همکاری و گفتگو میان حاکمیت و شهروندان بود، تحولاتی عمیق صورت می‌پذیرفت (Farina, et al. 2012, pp. 104-111 and Newhart, and Brooks 2017, 1).

پس از آمریکا، در بریتانیا، پلت‌فرم عریضه‌نویسی پارلمان انگلیس در نوامبر ۲۰۰۶ ایجاد و در ژوئیه ۲۰۱۵ مجدداً فعال شد تا شهروندان بتوانند خواسته‌های خود را به گوش پارلمان و نمایندگان آن رسانند (Find out more about e-petitions n.d). پلت‌فرم مذکور اجازه می‌داد تا شهروندان بریتانیایی بتوانند خواسته‌های خود را با مقامات رسمی در میان گذارند. ضمانت‌پیگیری و به سرانجام رسیدن نیز در این پلت‌فرم پیش‌بینی شده بود. به طوری که اگر خواهش‌های با ده هزار رای موافق از میان شهروندان انگلیسی کسب کند، به دولت می‌رسد و دولت انگلستان مسئول رسیدگی به آن است. همچنین اگر تأیید و موافقت صد هزار نفر را کسب کند، پارلمان انگلستان - به عنوان مهم‌ترین نماد دموکراسی و حاکمیت در این کشور - پا به میدان نهاده، به خواهش شهروندان رسیدگی می‌کند. نهایت این که، پلت‌فرم‌های موجود با تمام تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، در تسهیم مشارکت در قانون‌گذاری نقشی مشابه دارند که ناشی از تاریخچه آنها است.

جمع‌سپاری در حوزه‌های مختلف، از نظارت و بودجه‌ریزی تا تأمین مالی و غیره ورود داشته است. یکی از این حوزه‌ها، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری است که در این حوزه، به «قانون‌سپاری» شناخته می‌شود. قانون‌سپاری به عنوان جایگزین روش‌های پیش از خود در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری مطرح خواهد شد. مطابق روش‌های

متداول کنونی، فرایند قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری با اعمال نظر متصدیان آغاز می‌شود. سپس برای انجام بررسی‌های کارشناسی، معمولاً از نخبگان دانشگاهی و پژوهشگران متبحر استفاده می‌شود. با تکرار استفاده از نخبگان و پژوهشگرانی خاص، بررسی‌های علمی و کارشناسی ابتدایی در قانون‌نویسی و تهیه پیش‌نویس، به دست عده‌ای محدود سپرده خواهد شد. چنین انحصاری، تجمیع قدرت را در پی خواهد آورد. نتیجه آنکه، قشری از نویسندگان متون اولیه قانون ایجاد می‌شود که تجمیع قدرت در ایشان صورت گرفته است، بدون آنکه چنین نتیجه‌ای مورد انتظار قانون‌گذار باشد. تجمیع قدرت خارج از حدود قانون، می‌تواند منجر به فساد شود (رنجبر، ۱۳۸۴، صص. ۲۵-۴۲۸). به نحوی که از کیفیت قوانین کاسته، هزینه‌ها را افزایش داده و زمان نگارش را طولانی می‌کند. تنها هزینه‌های مربوط به فرایند قانون‌گذاری قانون‌سپارانه، راجع به ایجاد پلت‌فرم و نیز، تعیین جایزه برای ایده‌ها و پیشنهادهای برتر خواهد بود. همچنین، مشارکت‌جویان هیچ‌گاه نسبت به نگارش جملات و حتی واژگان پیش‌نویس، سهل‌انگاری نخواهند کرد، چرا که مستقیماً توسط سایر مشارکت‌جویان پایش می‌شوند. علاوه بر این در این روش، از تمام مزایای موجود در خرد جمعی می‌توان بهره برد، نظیر: تجارب، اندوخته‌های پراکنده دانش، منافع اقشار مختلف و غیره (Aitamurto, 2015, p. 2784). در واقع هوش جمعی قوی که تجزیه و تحلیل بهتری را ارائه می‌دهد و تاثیرات بالقوه و دامنه وسیعی از ملاحظات را در روند قانون‌گذاری برای بالا بردن کیفیت نتایج به همراه دارد با تقنین همراه می‌شود و موجب می‌شود تا نهادی مثل مجلس شورای اسلامی فراگیرتر از قبل و با عنصر اعتماد و اطمینان در عرصه شهروندی بروز یابد. قانون‌سپاری به دلیل مشارکت بخشیدن به شهروندان، آنان را در مسائل و امور حیاتی و مهم جامعه دخیل می‌کند، و این است که منجر به ارتقای دانش و فهم سیاسی آنان در مشارکت‌های آتی خواهد شد.

قانون‌سپاری بر بستر فضای مجازی و در قالب پلتفرم مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله مثال‌های مرتبط با قانون‌سپاری می‌توان به Wikilegis اشاره کرد که به عنوان خدمتی از سوی پارلمان برزیل، از مجموعه خدمات اینترنتی e-Democracia ارائه می‌شود. شهروندان برزیلی می‌توانند با ورود به این پلت‌فرم (سایت)، علاوه بر ارائه نظرات خود و مطالعه نظرات دیگران، پیش‌نویس طرح‌ها و لوایح را مشاهده کرده،

پیشنهاد‌های خود را ارائه دهد. از طرف دیگر، یکی از قابلیت‌های این پلت‌فرم، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نظرات شهروندان است. بدین ترتیب، یک نماینده می‌تواند تمام نظرات را به سرعت بررسی کند و در جلسات مربوطه از آن استفاده کند (مرتب، ۱۳۹۶).

استفاده از فناوری‌های جمع‌سپاری در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، کمک شایانی در ارتقای مشارکت مردمی و تقویت اتکا به آرای عمومی ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، حق مشارکت که از جمله حقوق حیاتی و اساسی در نظام‌های مردم‌سالار است، بدین واسطه از ضمانت اجرای بیشتری بهره‌مند خواهد شد. قانون‌سپاری علاوه بر همراه کردن اقشار مختلف از توده‌های مردم، توجه ذی‌نفعان را نیز جلب خواهد کرد. بدین ترتیب، توازن در نگارش و محتوای قوانین ایجاد خواهد شد که جامع منافع ذی‌نفعان است. بدیهی است، زمانی که مردم در تهیه و تصویب قانونی نقش بیشتری داشته باشند، مشارکت بیشتری نیز خواهند داشت. پس قانون‌سپاری علاوه بر تضمین حق مشارکت، به تثبیت حاکمیت قانون نیز خواهد انجامید.

نتیجه‌گیری

حق مشارکت شهروندان در ساحات حقوق عمومی به ویژه حق مشارکت در قانون‌گذاری از مسائل مهم و مطرح در حوزه حقوق شهروندی است و امکان بسترسازی آن نیازمند در نظر گرفتن مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی موجود و متناسب هر کشور می‌باشد. اساسنامه ساختار مطلوب مشارکت در قانون‌گذاری در کشور ایران را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- ۱- تفکیک مراحل قانون‌گذاری بر حسب اهمیت آن و دید عمیق نسبت به مشارکت شهروندان در هر یک از مراحل به فراخور تأثیراتی که به دنبال دارد.
- ۲- بومی‌سازی اشکال مشارکت در قانون‌گذاری براساس دیدگاه جمع‌سپاری و رسیدن به مؤلفه قانون‌سپاری.
- ۳- قانون‌سپاری همراه با مبانی مردم‌سالاری دینی در در کنار ویژگی شفافیت و ابزارهای موجود در حوزه فناوری.

پیشنهاد مقاله حال حاضر با توجه به اصول بیان شده مشارکت شهروندان در ارائه طرح‌های قانونی در کنار نهادهای مرتبط و مشارکت فعال و مستقیم بر طرح‌های ارائه

شده و اعمال اراده شفاف و مستقیم از سوی شهروندان می‌باشد اما مشارکت شهروندان در حوزه قانون‌گذاری به این ختم نمی‌شود و در کنار بررسی و به چالش کشیدن پیشنهاد مزبور باید برای ارتقای سطح کیفی تقنین به بیان راهکارهای بدیل و نزدیک به واقعیت پرداخت.

کتابنامه

۱. اسماعیلی، محسن و طحان‌نظیف، هادی (۱۳۹۱). «نسبت سیاست‌های کلی نظام با احکام حکومتی در حقوق اساسی ایران». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، (۱) پیاپی ۳۵، صص. ۷۳-۹۴.
۲. اصلانی، علی و فتاحی زفرقندی، فیروز (۱۳۹۳). «مشارکت عمومی در اداره حکومت اسلامی؛ حق یا تکلیف؟». *دانش حقوق عمومی*، (۸)، صص. ۶۵-۸۷.
۳. جاوید، محمدجواد و فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۲). «راهکارهای مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی». *دانش حقوق عمومی*، (۶)، صص. ۶۹-۸۸.
۴. حورعلی، مریم؛ منتظری، عباس و الیاسی، مهدی (۱۳۹۴). «شناسایی و اولویت‌بندی اصول مورد نیاز برای بهبود فضای نوآوری بنگاه‌های دفاعی ایران با رویکرد باز». *مدیریت نوآوری*، (۲)۴، صص. ۵۷-۸۶.
۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۶. راسخ، محمد (۱۳۸۴). «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل». *فصلنامه تحقیقات بین‌الملل*، (۴۱).
۷. رستگاری، ابوالقاسم و برخوردار، علی (۱۳۸۸). *بررسی راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)*. مجموعه مقالات همایش ملی توسعه مشارکت‌های مردمی ۹۷.
۸. رستمی، ولی (۱۳۸۷). «مشارکت مردم در قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه حقوق*، (۱)۳۸، صص. ۱۷۹-۲۰۴.
۹. رنجبر، احمد (۱۳۸۴). «نقش لابی‌گری در فرایند قانون‌گذاری و امکان قانونمند کردن آن». *مجلس و راهبرد*، (۴۹ و ۵۰)، صص. ۴۲۳-۴۳۶.
۱۰. ضمیری، عبدالحسین و نصیری حامد، رضا (۱۳۸۹). «حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن». *پژوهشنامه*، (۵۲)، صص. ۱۷۳-۲۲۴.

۱۱. طاهری، محسن و ارسطو، محمدجواد (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۳)، صص. ۲۴-۳.
۱۲. طحان نظیف، هادی؛ محمدی احمدآبادی، حسین و مجتهدی، محمدحسین (۱۳۹۵). «تأمین حقوق شهروندی در سایه طراحی یک الگوی با ثبات تقنینی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات حقوق بشر اسلامی، (۱۱)، صص. ۹۳-۱۱۲.
۱۳. عبدالحسین‌زاده، محمدحسین و ثنائی، مهدی (۱۳۹۴). «توانمندسازی خط‌مشی‌های عمومی، با رویکرد شفافیت و مشارکت». نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۱۴. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۷۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
۱۶. کعبی، عباس و فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۵). «سیاست‌های کلی نظام؛ راهکار ارتقای نظام قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۵(۱۵)، صص. ۹۹-۱۲۲.
۱۷. مدهوشی، مهرداد و کوه‌کن موخر، امیر (۱۳۹۱). «تبیین نقش استراتژی برون سپاری بر بهره‌وری سازمان». پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۴(۷)، صص. ۹۹-۱۲۴.
۱۸. مصلح، محمد (۱۳۹۶). «حقوق شهروندی در قوانین ایران و قوانین بین‌الملل». همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دوره ۳، صص. ۱-۱۷.
۱۹. مهاجرنیا، محسن (۱۳۷۹). «مشارکت در فلسفه سیاسی مسکویه». علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، (۸)، صص. ۱۹۱-۲۰۱.
۲۰. نرگسیان، عباس؛ جمالی، قاسمعلی؛ هراتی، مسعود و آذری، حسین (۱۳۹۷). «بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان». نشریه مدیریت دولتی، ۱۰(۲)، صص. ۲۸۹-۳۱۰.
۲۱. والدرون، جرمی (۱۳۹۸). قانون‌گذاری مفاهیم، نظریه‌ها و اصول (ترجمه حسن وکیلان). تهران: نگاه معاصر.

22. Aitamurto, Tanja & H. Landemore (2015). "Five design principles for crowdsourced policymaking: Assessing the case of crowdsourced off-road traffic law in Finland". *Journal of Social Media for Organizations*, pp. 1-19.
23. Aitamurto, Tanja (2012). "Crowdsourcing for Democracy: A New Era in Policy-Making". Parliament of Finland, Publication of the Committee for the Future.
24. Aitamurto, Tanja (2016). "Collective Intelligence in Law Reforms: When the Logic of the Crowds and the Logic of Policymaking Collide". *System Sciences, hawaii*, pp. 2780-2789.
25. Allio, Robert J. (2005). "Interview with Henry Chesbrough: innovating innovation". *Strategy and Leadership*, pp. 19-24.
26. Beth Noveck Simone (2018). "Crowdlaw: Collective Intelligence and Lawmaking". *Analyse & Kritik*, pp. 359-380.
27. Clark, Stephen D.; Michelle A. Morris & Nik Lomax (2018). "Estimating the outcome of UKs referendum on EU membership using e-petition data and machine learning algorithms". *Journal of Information Technology & Politics*, pp. 1-14.
28. Farina, Cynthia R.; Dmitry Epstein, Josiah Heidt & Mary J. Newhart (2012). "Knowledge in the People: Rethinking "Value" in Public Rulemaking Participation". *Wake Forest*, 1185.
29. Newhart, Mary J. & Joshua D. Brooks (2017). "Barriers to Participatory eRulemaking Platform Adoption: Lessons Learned from RegulationRoom". *Cornell e-Rulemaking Initiative Publications*, pp. 1-28.
30. Pedersen, Jay Gerard; David Kocsis; Abhishek Tripathi & Alvin Tarrell (2013). "Conceptual Foundations of Crowdsourcing: A Review of IS Research". *2013 46th Hawaii International Conference on System Sciences*. Hawaii, pp. 579-588.
31. Quah, Jon S.T. (2017). "Combating Asian Corruption: Enhancing the Effectiveness of Anti-Corruption Agencies". *Maryland Series in Contemporary Asian Studie*, pp. 1-83.

ج. پایگاه‌های اینترنتی

۱. بی‌تاریخ. <https://www.parliament.uk/get-involved/sign-a-petition/e-petitions>
۲. سید علی آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۹). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی):
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47396>
۳. حاکمی، محمد امین (۱۳۹۶). معرفی سایت *Legislation Lab*: کارگاهی برای قانون‌نویسی:
<http://blog.tp4.ir/post/529>
۴. مرتب، یحیی (۱۳۹۶). *WikiLegis*: بستری برای مشارکت مردم در فرآیند قانون‌گذاری برزیل:
<http://blog.tp4.ir/post/475>

